

## امامان معصوم علیهم السلام

شایسته ترین ترجمان قرآن

(۱)

### آغازین سخن

قرآن کریم کامل ترین کتاب آسمانی است که از سوی خداوند متعال بر پیامبر هادی علیه السلام نازل شده است. تاریخ نشان می دهد که مسلمانان صدر اسلام به رغم برخوردارگی از فصاحت و بلاغت بالا و آگاهی از معانی واژگان و قراین مربوط به آیات، در بسیاری از موارد از فهم حقیقی آیات ناتوان می شدند و از حضرت محمد صلی الله علیه و آله سؤال می کردند. پیامبر صلی الله علیه و آله هم طبق وظیفه الهی و رسالت خطیری که بر عهده داشت، برای آنان تفسیر می کرد. لذا آن حضرت تمام معارف قرآن را برای حضرت علی علیه السلام بیان کرد و به مسلمانان وصیت نمود که قرآن و تفسیر آن را از اهل بیت علیهم السلام بیاموزید و سعی نکنید چیزی به آنان یاد دهید، زیرا آنان از شما آگاه تر هستند<sup>(۱)</sup>.

هم چنین حضرت علی علیه السلام فرمود: «هَذَا الْقُرْآنُ أَنَّمَا هُوَ خَطٌّ مَسْتُورٌ بَيْنَ الدَّائِتَيْنِ لَا

۱. علامه طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان، ج ۵، ص ۲۷۴.

ينطقُ بِلِسَانٍ و لا يَدُّ لَهُ مِنْ تَرْجَمَانٍ... فَنَحْنُ أَحَقُّ النَّاسِ بِهِ...»<sup>(۱)</sup>.

«این قرآن خطی است نوشته شده که میان دو جلد پنهان است. زبان ندارد تا سخن بگوید و نیازمند کسی است که آن را ترجمه کند و ما امامان معصوم برای تفسیر و ترجمان قرآن از همه مردم سزاوارتر هستیم.»

پیشوای ششم امام صادق علیه السلام ضمن گفتار روشنگرانه که در مورد اهل بیت علیهم السلام فرموده است، به این نکته اشاره کرده و می‌فرماید: «نَحْنُ تَرْجَمَةٌ وَحَى اللّٰهُ»<sup>(۲)</sup>. «ما مترجمان وحی الهی هستیم.»

بنابراین ائمه اطهار علیهم السلام، هم بر حقایق قرآن احاطه دارند و هم مترجمان و بیان‌کنندگان واقعی آیات آن می‌باشند.

با توجه به نکات فوق، در این نوشتار سعی شده است که برخی نکته‌های تفسیری و مفاهیم قرآنی از سیره و سخنان پیشوایان معصوم علیهم السلام شرح داده شود.

### امام علی علیه السلام

مقدس‌ترین چهره‌ای که در جهان اسلام پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله از علم و دانش بی‌کران برخوردار بود، حضرت علی علیه السلام بود.

آن حضرت در زمان خلافت خویش با این که به شدت در کار اصلاح مفاسدی مانند: اختلافات داخلی مسلمانان و جنگ‌های پی‌درپی بود، ولی باز هم از برخی اقدام‌های اساسی در قلمرو تفسیر و فهم قرآن و جلوگیری از تحریف معنوی و لفظی آن کوتاه نیامد و به تفسیر قرآن همت گماشت.

۱. نهج البلاغه، ترجمه دشتی، خطبه ۱۲۵، ص ۲۳۶.

۲. اصول کافی، کلینی، ج ۱، ص ۱۹۲.

ابن عباس می‌گوید: «هرچه از تفسیر قرآن دارم، از حضرت علی علیه السلام آموختم»<sup>(۱)</sup>.  
 موارد زیادی به چشم می‌خورد که امیرمؤمنان به هنگام بحث و گفتگو و یا بیان حکم خدا به قرآن کریم استناد نموده است.  
 شیخ مفید در «الإرشاد» نقل کرده که از ابوبکر سؤال کردند: مقصود از «فاکهة» و «آبأ» چیست؟

در پاسخ گفت: کدام آسمان بر من سایه می‌اندازد و یا کدام زمین سنگینی مرا بر می‌دارد و یا چکار کنم؟ اگر بگویم که در کتاب خدا چیزی هست، که من نمی‌دانم. اما «فاکهة» را می‌شناسم و اما «آبأ» خداوند نسبت به آن عالم است. چون این مطلب به امیرمؤمنان علیه السلام رسید، فرمود: سبحان الله! آیا ابوبکر ندانست که آبأ علف و چیزی است که حیوانات آن را می‌خورند؟ فاکهة و آبأ را خداوند متعال آماده کرده است برای بندگانش و حیوانات بندگانش تا با خوردن آن زنده بمانند<sup>(۲)</sup>.

### امام حسن مجتبی علیه السلام

امام حسن مجتبی علیه السلام در بیاناتش همواره از آیات قرآن استفاده می‌کرد و به خاطر عشق و علاقه به قرآن، سخنش را به کلام و حیانی مزین می‌نمود. آن بزرگوار به مسائلی که پیش می‌آمد، با استناد به آیات قرآن، آن‌ها را پاسخ می‌داد.  
 از آن حضرت درباره آیه «أَنَا كُلُّ شَيْءٍ خَلَقْنَا بِقَدَرٍ»<sup>(۳)</sup> سؤال شد. فرمود: خداوند می‌گوید: «أَنَا كُلُّ شَيْءٍ خَلَقْنَا لِأَهْلِ النَّارِ بِقَدَرِ أَعْمَالِهِمْ»<sup>(۴)</sup>. «ما هر چیزی را برای دوزخیان به اندازه اعمالشان آفریدیم».

۲. شیخ مفید، الإرشاد، ج ۱، ص ۲۰.

۴. المیزان، ج ۱۹، ص ۸۵.

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۹۲، ص ۱۰۵.

۳. سورة قمر، آیه ۲۹.

ابوالحسن علی بن احمد واقدی می نویسد که مردی گفت: نزد نوجوانی رسیدم که از رسول خدا ﷺ سخن می گفت. از تفسیر «شاهد و مشهود» پرسیدم. فرمود: شاهد «محمد» است و مشهود «روز قیامت». آیا نشنیده‌ای که قرآن می فرماید «یا ایها النبی! انّا أرسلناک شاهداً...»<sup>(۱)</sup>. «ای پیامبر ما تو را شاهد فرستادیم». و «... ذلك یومٌ مجموعٌ له الناس و ذلك یومٌ مشهودٌ»<sup>(۲)</sup> پرسیدم این جوان کیست؟ گفتند: حسن بن علی بن ابی طالب<sup>(۳)</sup>.

### امام حسین ﷺ

امام حسین ﷺ انس و ربه‌ای با قرآن داشت، چون منزلتی بزرگ برای آن قایل بود. انس سیدالشهداء با قرآن را می توان در تمام زوایای زندگی اش ملاحظه کرد. نصایح و مواعظش، سیره علمی و عملی اش و حماسه خونینش همه و همه الهام گرفته از قرآن بود. بنابراین کوتاه بینانی که شخصیت حماسی و قیام جاودانه اش را زیر سؤال می برند و گاه برچسب خشونت طلبی، عدم توجه به مصالح، انتقام جوئی و... را به آن حضرت نسبت می دهند، اگر ریشه های قرآنی عمل آن بزرگوار را بدانند و واقعاً در پی حق و حقیقت باشند، به حقیقت رهنمون خواهند شد. امام حسین ﷺ با استناد به آیات قرآن حرکت خود را شروع کرد. آن حضرت پس از ورود به مکه نامه ای برای سران قبائل بصره نوشت و آنان را به کتاب خدا دعوت کرد:

«و انا اذعوکم الی کتاب اللّٰه و سنّة نبیّه»<sup>(۴)</sup>.

«من شما را به پیروی از کتاب خدا و سنت پیامبر دعوت می کنم».

۲. هود: ۱۰۳.

۱. احزاب: ۴۵.

۳. علی بن عیسی اربلی، کشف اللّٰمة فی معرفة الانّمة، ج ۱، ص ۵۴۳.

۴. محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۳، ص ۲۸.

امام زین العابدین علیه السلام پس از واقعه عاشورا، ملجأ و پیشوای دینی و فکری و معنوی شیعیان در عصر خود بود. در لابه لای تفاسیر شیعه و اهل سنت، روایات تفسیری فراوان از آن بزرگوار به چشم می خورد که مرحوم سید عبدالرزاق مفرم در کتاب «الإمام زین العابدین» ۲۱ مورد آن را نقل کرده است.<sup>(۱)</sup>

در اسلام هر حکمی دارای فلسفه‌ای است و هر امر یا نهی در ورای خود، حکایت از مصلحت یا مفسده‌ای دارد که موجب تکلیف می شود. آیات قرآن از این قاعده مستثنا نیست و یکی از روش های بیان آیات قرآنی و توضیح و تفسیر آنها بیان فلسفه و علت حکم است که در این جا به یک نمونه اشاره می شود:

یکی از احکام قرآنی مسأله «قصاص» است که خداوند به شکل بدیع و زیبایی می فرماید: «... و لَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ»<sup>(۲)</sup>. «... و ای خردمندان، برای شما در مسأله قصاص زندگی وجود دارد».

امام سجاده علیه السلام چگونگی نقش قصاص در زندگی را چنین بیان می کند:

این بدان جهت است که هر کس قصد کشتن فردی را نماید، ولی بداند که مورد قصاص واقع می شود، از این جنایت صرف نظر می کند و همین مسأله موجب بقای زندگی فردی می گردد که قصد کشتن او را داشت و نیز موجب زنده ماندن خود فرد می گردد که قصد کشتن دیگری را داشت و هم چنین سبب حیات مردمی خواهد شد که به این حکم آشنا شده و از آن آگاه گردیده اند.<sup>(۳)</sup>

۲. سورة بقره، آیه ۱۷۹.

۱. الإمام زین العابدین، علامه مفرم، ص ۲۸۹.

۳. احتجاج طبرسی، ص ۳۱۹.

امام باقر علیه السلام

امام باقر علیه السلام مفسر قرآن و مبین فقه اسلامی بود. به همین جهت درباره شخصیت علمی او گفته اند: اگر مردم در صدد جستجوی علم قرآن برآیند و امام باقر علیه السلام درباره آن لب به سخن بگشاید، فروع زیادی را برای آن (علم قرآن) ترسیم می کند<sup>(۱)</sup>.

زراره می گوید: خوش نداشتم به طور مستقیم درباره «رجعت» از امام باقر علیه السلام بپرسم، لذا یک سؤال ظریف مطرح کردم. گفتم: فدایت شوم! مرا آگاه کن نسبت به کسی که کشته می شود، آیا او مرده است؟ حضرت فرمود: خیر! مرگ، مرگ است و قتل چیز دیگر. به حضرت عرض کردم: هرکس کشته بشود، می میرد. امام فرمود: ای زراره! گفتار خدا را از گفتار تو راستگوتر می دانم؛ زیرا در قرآن بین این دو فرق گذاشته شده است. در آیه ای می فرماید: «... أَفَأَنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ...»<sup>(۲)</sup>. و در جای دیگر می فرماید: «وَلَنْ نُمِثُّ أَوْ قَتَلْتُمْ لِإِلَى اللَّهِ تُخْشَرُونَ»<sup>(۳)</sup>. و این چنین نیست که تو می گویی ای زراره! بلکه موت یک چیز است و قتل چیز دیگر.

حضرت سپس آیه «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ...»<sup>(۴)</sup> را تلاوت نمود که خداوند از مؤمنان در مقابل بهشت، جان و مالشان را می خرد. زراره می گوید: گفتم: خداوند می فرماید: «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ» «هرکسی مرگ را می چشد». آیا نظر شما این است که کسی که کشته شود، مرگ را نمی چشد؟ حضرت فرمود: «لَيْسَ مَنْ قُتِلَ بِالسَّيْفِ كَمَنْ مَاتَ عَلَى فِرَاشِهِ إِنَّ مَنْ قُتِلَ لَا يَبْدُ مِنْ أَنْ يَرْجِعَ إِلَى الدُّنْيَا حَتَّى يَذُوقَ الْمَوْتَ»<sup>(۵)</sup>. «کسی که با شمشیر کشته شود، مانند کسی نیست که در بستر می میرد. کسی که کشته می شود، بار دیگر قطعاً به دنیا رجعت می کند تا مرگ را بچشد».

۱. رسول جمعربان، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، ص ۳۰۵.

۲. آل عمران: ۱۴۴.

۳. همان، ۱۵۸.

۴. توبه، ۱۱۱.

۵. محمد بن مسعود عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۱۲.

امام صادق علیه السلام

پیشوای ششم امام جعفر صادق علیه السلام در وادی تفسیر کلام خداوند، از هیچ کوششی دریغ نمی‌کرد. آن حضرت علاوه بر تبیین و توضیح صحیح معانی آیات قرآن، از هرگونه لغزش و خطا جلوگیری می‌کرد. امام صادق علیه السلام در مورد اهمیت آیات قرآن می‌فرمود:

«أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ فِي الْقُرْآنِ تَبْيَانًا كُلِّ شَيْءٍ حَتَّىٰ وَاللَّهِ مَا تَرَكَ اللَّهُ شَيْئًا يَحْتَاجُ الْعِبَادَةَ إِلَيْهِ إِلَّا بَيِّنَةً لِلنَّاسِ»<sup>(۱)</sup>. «خداوند متعال در قرآن همه چیز را بیان کرده است تا آنجا که به خدا قسم! هیچ چیزی را که بندگان به آن نیاز دارند، فروگذار نکرده و تمام احکام آن را برای مردم بیان کرده است.»

عبدالعظیم حسنی می‌گوید: روزی عمرو بن عبید (یکی از بزرگان معتزله) محضر امام صادق علیه السلام رسید و پس از عرض سلام نشست و آیه «الَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشِ»<sup>(۲)</sup>. «کسانی که از گناهان و زشتیها پرهیز می‌کنند...» را خواند و سکوت کرد. امام صادق علیه السلام علت سکوت وی را پرسید. گفت: دوست دارم گناهان کبیره را از قرآن بفهمم. امام صادق علیه السلام فرمود: ای عمرو! بزرگ‌ترین گناهان کبیره شرک به خداوند است؛ زیرا خداوند می‌فرماید: «مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَزَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ...»<sup>(۳)</sup>. «هرکس به خدا شرک ورزد، قطعاً خداوند بهشت را بر او حرام ساخته و جایگاهش آتش است.» پس از آن ناامیدی از رحمت خدا<sup>(۴)</sup>. احساس امنیت از مکر خدا<sup>(۵)</sup> آدم‌کشی بناحق<sup>(۶)</sup> نسبت زنا به زنان پاک‌دامن<sup>(۷)</sup> و خوردن مال یتیم است<sup>(۸)</sup>.

۱. علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۴۵۱.

۲. نجم: ۳۲.

۳. مائده: ۷۲.

۴. یوسف: ۷۸.

۵. اعراف: ۹۹.

۶. نساء: ۹۳.

۷. نور: ۲۳.

۸. نساء: ۱۰.